

پیامدهای نظریه تعدد قرائت‌ها

حسین تکمیلی*

چکیده

به دنبال طرح مباحث هرمنوتیک در غرب، مسئله تجویز قرائت‌های متعدد نیز که ثمره آن است، در قرن‌های بعدی مطرح گردید. این نظریه ثمره هرمنوتیک فلسفی است که از یک سو، مقصود مؤلف متن را در فهم، بی‌تأثیر می‌داند و از دیگر سوی، متن را در بیان معنای خود صامت می‌داند. از این رو، مفسر با توجه به پیش‌فرض‌های ذهنی خود، معنایی برای متن می‌سازد.

سؤال این است که اگرچه می‌توان برداشت‌های متفاوت از یک متن داشت، اما آیا تمام برداشت‌های عرضی یک متن نیز صحیح و مطابق با واقع است؟ و آیا می‌توان برداشت‌های متضاد از یک متن داشت؟ آنچه مسلم است، تکرر قرائت از یک متن به معنای صحت برداشت‌های متضاد، پذیرفتنی نیست و عقل سلیم آن را با بسیاری از اصول و بدیهیات در تعارض می‌بیند. از این رو، اگر لوازم باطل این نظریه را رصد کنیم، به بطلان و نامعقولی آن بیشتر پی خواهیم برد.

این مقاله درصدد بررسی برخی لوازم نادرست این نظریه با روش تحلیلی - توصیفی می‌باشد. اگر نظریه‌ای دارای لوازم و آثار غیرمعقولی بود، آن نظریه نیز همچون لوازم خود محکوم به شکست خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تعدد قرائت‌ها، هرمنوتیک، هرمنوتیک فلسفی، آنارشیا.

مقدمه

و یا متناقض، می‌توان به این نظریه وفادار ماند؟ پیش از پرداختن به پیامدهای نظریه تعدد قرائت‌ها، هرمنوتیک فلسفی را که زمینه این نظریه محسوب می‌شود، و همچنین مدعای نظریه تعدد قرائت‌ها را به اختصار از نظر خواهیم گذراند.

۱. هرمنوتیک فلسفی

پیش از هرمنوتیک فلسفی اعتقاد بر این بود که هر متنی دارای متن واحدی است که باید آن را کشف کرد و آن، همان مراد مؤلف است؛^(۲) ولی در هرمنوتیک فلسفی قصد و مراد مؤلف به کناری گذاشته شد و راه برای تکررگرایی معنایی فراهم گردید. از نظر گادامر، فهم، جست‌وجوی چیزی در گذشته و بازتولید و بازآفرینی آن نیست، بلکه تطبیق متن و اثر با امروز است. وی معتقد است: فهم ما فهمی امروزی است؛ یعنی با پرسش‌هایی که برای متن ارائه می‌شود معنای امروزی متن روشن می‌گردد. و البته به تعداد پرسش‌های فراروی متن، پاسخ‌ها نیز متعدد خواهد بود و معنای متن چیزی جز همین پاسخ‌ها نیست و این یعنی: تکرر معنایی متن. از سوی دیگر، چون محدودیتی برای پرسش از متن وجود ندارد و مدام پیش‌داوری‌های جدیدی برای مفسر به وجود می‌آید که باعث پرسش‌های جدیدتری می‌شود، پایانی نیز برای واقعه فهم قابل تصویر نیست.^(۳)

از این‌رو، ما به اجمال مبانی هرمنوتیک فلسفی را بررسی خواهیم کرد تا جایگاه نظریه تعدد قرائت‌ها روشن شود.

بنیاد اسلام بر واقعیات و امور یقینی بنا نهاده شده است. یکی از مباحثی که بساط شک و تردید را فراهم و واقعیت را امری دست‌نیافتنی می‌سازد بحث تعدد قرائت‌هاست. شاید بتوان گفت این نظریه یکی از خطرناک‌ترین فرضیه‌ها در باب دین می‌باشد؛^(۱) چراکه بنا بر این نظریه، اساس حقیقت و راه دست یافتن به آن به چالش کشیده می‌شود و دیگر، سخن از واقع و حقیقت و دین، امری باطل و بی‌فایده است.

تعدد قرائت‌ها را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: «نظریه‌ای که معتقد است برداشت‌های متفاوت از یک متن وجود دارد و تمام یا اکثر برداشت‌ها نیز صائب است.» باید توجه داشت نظریه تعدد قرائت‌ها که ریشه در هرمنوتیک و یا پلورالیسم مطرح شده در غرب دارد، سخنی بی‌پایه است که با اشکالات مبنایی و معرفت‌شناختی بسیاری روبه‌رو است و در جای خود قابل طرح و بررسی است، اما آنچه که ما در این مقاله بدان می‌پردازیم، پیامدهای خواسته یا ناخواسته این نظریه است. از آن‌رو که پیامدهای طرح این نظریه - در حد تتبع نگارنده - به صورت منسجم و منظم بیان نشده و غالباً به صورت پراکنده یا ناقص و در ضمن مباحث دیگر بیان گردیده است، این مقاله می‌تواند رویکرد جدیدی را در ابطال تعدد قرائت‌ها بگشاید؛ چراکه توجه و تفتن به لوازم منفی یک قول - در بسیاری از موارد - سخیف بودن آن نظریه را نشان می‌دهد.

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که پیامدهای نادرست نظریه تعدد قرائت‌ها کدام است؟ و سؤال فرعی نیز عبارت است از اینکه آیا با وجود پیامدهای نادرست

۲. مبانی هرمنوتیکی فلسفی

هرمنوتیک را به طور معمول به معنای فن، هنر، یا نظریه تفسیر و تأویل متن (گفتاری و نوشتاری) تعریف می‌کنند.^(۴) در مغرب‌زمین دیدگاه‌ها و گرایش‌های گوناگون تفسیری وجود دارد که برخی از این دیدگاه‌ها می‌تواند مبنای قرائت‌های مختلف از دین قرار بگیرد. در باب هرمنوتیک یا علم تفسیر، به طور کلی سه دیدگاه اساسی وجود دارد: متن‌محور، مؤلف‌محور و مفسر‌محور. آخرین دیدگاه - که آغازگرانش، هایگر و در ادامه، شاگردش گادامر هستند - «هرمنوتیک فلسفی» نامیده می‌شود و مبنایی برای تعدد قرائت‌ها از دین به شمار می‌رود. برای تبیین جایگاه نظریه تعدد قرائت‌ها لازم است اشاره‌ای به اصول مهم هرمنوتیک فلسفی داشته باشیم.

۲-۱. صامت‌انگاری متن و شریعت

اکثر بنیان‌گذاران و مبلغان هرمنوتیک در مغرب‌زمین بر صامت بودن همه متون و از جمله متون دینی تأکید دارند. باید توجه داشت که صامت‌انگاران متن، یا به عدم وجود معنای نهایی متن باور دارند - چنان‌که افراطیون هرمنوتیک (که شاخه‌ای از هرمنوتیک مدرن^(۵) و نقد نوین آمریکایی^(۶) در رأس آن قرار دارند) سخن از «مرگ مؤلف» به میان می‌آورند - و یا آن را انکار نمی‌کنند، لکن بر این اعتقادند که آن معنای اصلی متن و نیت مؤلف برای خواننده، دست‌نیافتنی است، بلکه هر خواننده‌ای به گمانه‌زنی و از ظن و حدس خود به قرائت متن می‌پردازد. بعضی هرمنوتیست‌های معروف مانند گادامر^(۷) در این دسته قرار می‌گیرند.

برخی از مترجمان مسلمان این نظریات نیز با اخذ مبنای فوق، چنین قایل شده‌اند: «عبارت نه آبستن، که گرسنه معانی‌اند، حکیم آنها را چون دهان‌های باز می‌بیند نه چون شکم‌هایی پر.»^(۸)

۲-۲. تأثیر پیش‌فرض‌های ذهنی

حال که متن صامت و گنگ است، مفسر باید با پیش‌فرض‌های خود، به تفسیر و بازنمایی متن پردازد. گادامر در این عرصه شاید بیش از دیگران تلاش کرد تا نشان دهد خواندن متن بدون تأویل متن و دخالت پیش‌دانسته‌های مفسر اعم از تربیتی، فرهنگی و تاریخی، میسر نیست.^(۹) وی «پیوند افق‌ها» را مطرح کرد که مطابق آن، افق دیدگاه خواننده حال حاضر و افق دیدگاه تاریخی متن با یکدیگر ادغام و پیوند داده می‌شوند و محصول و متولد از این پیوند، دیدگاه یگانه‌ای است که در کل، نه این است و نه آن.^(۱۰)

گادامر در این باره می‌گوید: «تلاش برای حذف مفاهیم شخصی در تأویل، نه فقط ناممکن، بلکه آشکارا کار بیهوده و پوچ است. تأویل کردن دقیقاً به معنای بهره‌گیری از پیش‌فهم‌های شخصی خویشتن است، به گونه‌ای که معنای متن برای ما به سخن درآید.»^(۱۱)

۲-۳. اثبات و ابطال ناپذیری قرائت خاص

حال که متن خود گنگ است و هر مفسری فقط بر اساس پیش‌فرض‌های خود تفسیری را ارائه می‌کند، بنابراین، مقایسه میان این تفاسیر متفاوت کار درستی نیست؛ چراکه هر یک از این تفاسیر منطبق بر پیش‌فرض‌های خود است و بر اساس آنها درست است. بنابراین، واقعیتی به نام قرائت قطعی‌الانطباق

نظریه هرچند با اشکالات مبنایی و معرفت‌شناسانه‌ای روبه‌روست، اما لوازم و پیامدهای غیرقابل قبول و عدیده‌ای نیز دارد که در بسیاری از این موارد، حتی خود صاحب نظریه نیز بدان ملتزم نیست. لازم به تذکر است که ما در این مقاله درصدد نقد مبنایی و بررسی مبانی هرمنوتیکی این نظریه نیستیم و فقط به برخی از پیامدهای این نظریه اشاره خواهیم کرد و در ضمن آن، نقدهای مختصری نیز خواهیم داشت.

این لوازم و پیامدها به خوبی نشان می‌دهند که چنین نظریه‌ای نمی‌تواند پذیرفته شود.

۳-۱. خودویرانی یا خودشمولی

قابل تفاسیر متعدد بودن متون همانند طناب داری است که ابتدا خود این نظریه را حلق آویز می‌کند؛ چراکه نظریه تعدد قرائت‌ها نیز در قالب متن عرضه می‌شود و از قاعده تفسیر متون استثنا نیست و اینکه قایلان تعدد قرائت‌ها در مقام دفاع این‌گونه بگویند که «مدعیات قبض و بسط از شمول آن تحول مصنوعیت دارند؛ چون از نوع معرفت‌های درجه دومند نه درجه اول»^(۱۶) و یا «مدعیات قبض و بسط هم مشمول آن تحول و سیلان هستند، اما نه تحول صدقی و کذبی، بل تحول تعمیقی»^(۱۷) نمی‌تواند مشکل‌گشای این مسئله باشد؛ زیرا دلیلی بر این مطلب که معرفت‌های درجه دوم از تغییر و تحول و به عبارتی، از تفاسیر متعدد مصون‌اند، وجود ندارد؛ چراکه این‌گونه معارف نیز بخشی از معارف بشری محسوب می‌شوند و هرگاه در قالب متن درآیند با دیگر متون تفاوتی ندارند و به بیانی دیگر، به چه دلیل و با چه ترجیحی یک گزاره فقط تغییر و تحول

نداریم و همه قرائت‌ها ظنی و اجتهادی است و همواره پیدایش قرائت‌های جدید امکان دارد و از لحاظ منطقی، هیچ مانعی برای آن وجود ندارد؛ چنان‌که نوشته‌اند: «ارائه دلیل قطعی و برهانی برای ابطال قطعی و کامل یک قرائت و اثبات کامل قطعی یک قرائت دیگر امکان‌پذیر نیست.»^(۱۲) و برخی دیگر، سخن گفتن از قرائت واحد از دین در قرن بیستم را بی‌باکانه و متهورانه توصیف می‌کنند.^(۱۳)

۳. پیامدهای نادرست نظریه تعدد قرائت‌ها

هر نظریه علمی باید علاوه بر قابل دفاع علمی بودن، به پیامدهای آن نیز توجه داشته باشد. لوازم غیرمعمول، چه خواسته و چه ناخواسته، دلیلی بر بطلان و سستی آن نظریه است و صاحب آن یا باید لوازم نظریه خود را بپذیرد و یا از اصرار بر مطلب نامعقول و غیرمنطقی دست بردارد. نمی‌توان نظریه‌ای را پذیرفت و از لوازم منطقی آن تبرّی جست. برای مثال، اگر گفته شود x در تمام صفات وجودی برابر با y است، باید لازمه آن، که عینیت است، نیز پذیرفته شود.

براساس نظریه تعدد قرائت‌ها، هر قرائتی از دین مهر تأیید می‌خورد. شبستری در این باره می‌گوید: «قرائت دین در واقع، همان قرائت متون دینی است و متون دینی را به گونه‌های متفاوت می‌توان فهم و تفسیر کرد و از همین جاست که دین قرائت‌های کثیر پیدا می‌کند.»^(۱۴) و یا آنجا که می‌گوید: «از آنجایی که در عالم انسان واقعیتی به نام قرائت "قطعی الانطباق" نداریم و همه قرائت‌ها "ظنی" و "اجتهادی" است، همواره پیدایش قرائت‌های جدید محتمل است و منطقاً هیچ مانعی برای آن وجود ندارد.»^(۱۵) این

در صدد فرار و توجیه آنند،^(۲۰) رواج نسبیت و شک‌گرایی است. هرگاه متنی، در زمان، مکان و یا شرایط مختلف و یا نسبت به اشخاص متعدد، معانی متفاوت داشت، در دام نسبیت افتاده و از این‌روست که ثمره نسبیت، شک‌گرایی گسترده در تمام عرصه‌هاست؛ یعنی نمی‌توان سخنی یقینی بیان داشت؛ زیرا هر آنچه بیان گردد، قرائتی است از گوینده و معلوم نیست در واقع نیز چنین باشد و همین امر شک را در تمام عرصه‌ها فراگیر می‌سازد و پر واضح است که شکاکیت مورد قبول هیچ عقل سلیمی نیست.

البته شاید قایلان این نظریه در مقام دفاع منکر شمول حداکثری نظریه تعدد قرائت‌ها شوند و آن را به متون دینی منحصر سازند،^(۲۱) اما باید توجه داشت که دلیلی بر جدا کردن متون دینی از سایر متون وجود ندارد و به عبارتی، جداسازی، ترجیحی بلامرّجّح است و چون متون دینی همانند دیگر متون از الفاظ عرفی و قواعد ادبی استفاده می‌کند، هر حکمی که برای متون دینی باشد درباره متون غیر از آن نیز صادق است.

۳-۴. انسداد باب مفاهمه و رشد علوم

آموزش و به طور خاص آموزش دینی، مترتب بر متن است، چه متون گفتاری و یا نوشتاری. اما فرض کنید این متون دارای معانی متعدد است و معلّم و متعلّم معانی متفاوتی را از یک متن آموزشی می‌فهمند. آیا متعلّم می‌تواند توسط گفتار یا نوشتار معلّم مهارتی کسب کند و یا معلّم می‌تواند مهارتی را به متعلّم منتقل کند، در حالی که عامل تفهیم فی مابین منتفی است؟ حال بنگرید در سطوح بالاتر که رسول

تعمیقی دارد ولی دیگر گزاره‌ها از تغییر و تحول صدق و کذب در امان نیستند؟

۳-۲. اجتماع نقیضین و ارتفاع آن

اگر بر قرائت‌های متعدد - اگرچه در متون دینی - صحه گذاشتیم (همان‌گونه که شبستری بیان می‌دارد: «از آنجایی که در عالم انسان واقعیتی به نام قرائت "قطعی الانطباق" نداریم و همه قرائت‌ها "ظنی" و "اجتهادی" است، همواره پیدایش قرائت‌های جدید محتمل است»^(۱۸) و یا مثل نیچه که - هرچند در آثار خویش نامی از هرمنوتیک نمی‌برد، اما زمینه‌ساز این مباحث به شمار می‌رود - در کتاب‌های مختلف خویش مانند *فراسوی نیک و بد* و *خواست قدرت* به این مباحث اشاره و تصریح می‌دارد «واقعیت وجود ندارد؛ هر چه هست تفاسیر ماست»^(۱۹) در این صورت، ناچاریم جواز اجتماع نقیضین و یا ارتفاع آن را بپذیریم؛ زیرا می‌توان برداشت‌های متناقضی از یک متن داشت که قابل جمع با یکدیگر نباشند و در این صورت، هریک از این فهم و قرائت‌ها حظّی از حقیقت برده‌اند و نمی‌توان بر هیچ یک خرده گرفت و همچنین ممکن است شخصی هیچ‌یک از دو طرف معنایی یک متن را اراده و یا فهم نکند؛ برای مثال، بگوید: من از متن «اللّه موجود» وجود یا عدم خدا را نمی‌فهمم، بلکه قرائت من از این متن غیر از این دو است، و این همان ارتفاع نقیضین محال است که از بدیهیات به شمار می‌رود.

۳-۳. نسبیت و شک‌گرایی

یکی از لوازم خطرناک و مخرب نظریه تعدد قرائت‌ها که حتی صاحبان این نظریه نیز بدان ملتزم نیستند، و

وجود نخواهد داشت. در حالی که رسول خدا ﷺ مبعوث شد تا مکارم اخلاقی را به تکامل برساند.

۳-۶. بی‌معنایی هرگونه قانون؛ چه دینی و چه مدنی متون قانونی، هم باید معنای واحدی داشته باشد و هم چندپهلوی نباشد تا بتواند برای همه یکسان باشد. اگر قانونی - چه دینی و چه مدنی - دارای معانی متعدد باشد زمینه برداشت‌های مختلف و حتی سوءاستفاده را فراهم می‌سازد و هرکس قانون را آن‌گونه که می‌خواهد معنا و تفسیر می‌کند. حال به مقتضای نظریه تعدد قرائت‌ها بنگرید که چگونه هر قانون دینی (و حتی قوانین مدنی) را بی‌اعتبار و بی‌ارزش می‌سازد و زمینه سوءبرداشت و قانون‌گریزی را مهیا می‌سازد. در این صورت، آیا می‌توان بر کسی که در روز عید فطر روزه می‌گیرد و یا در ظهر پنج‌شنبه نماز جمعه اقامه می‌کند، خرده گرفت؟ آیا می‌توان بدو گفت قانون و سنت الهی غیر از این است؟ آیا سخن از سنت الهی^(۲۲) کاری بیهوده نیست؟ آیا وی نخواهد گفت این قرائت شما از این قانون الهی است، اما قرائت من متفاوت است؟!

و همین سخن در قوانین مدنی است و کسی که طبق قرائت خویش، از چراغ قرمز گذشته، با آن کس که طبق قرائت خود توقف نموده یکسان است و نمی‌توان یکی را تنبیه و دیگری را تشویق نمود؛ چراکه هر یک مدعی است بر اساس قرائت خود از قانون عمل کرده است.

۳-۷. بیهوده بودن اصول محاوره و روش فهم

زبان‌های مختلف شاهد کتاب‌های متعدد و مفصلی است که در زمینه اصول محاوره و روش فهم نگارش

خدا ﷺ بزرگ معلم بشریت است. هرچند کلام حضرت برای مخاطبان مستقیم او قابل فهم است، ولی زبان مشترکی با دیگر مردمان ندارد. در این صورت، چه رخ خواهد داد؟ جز اینکه دینی در حال حاضر حجت نخواهد بود و آیینی برپا نخواهد شد. اساساً تفهیم و استدلال در جایی است که زبان مشترکی در بین باشد، اما بنا بر این نظریه، هر معنایی که از یک متن یا گفتار اراده شود - چه در متون دینی و چه در غیر آن - قرائتی است که صاحب این متن یا گفتار دارد و با قرائت دیگری متفاوت است. از این‌رو، نمی‌توان بر حقانیت مطلبی اصرار ورزید و مدعی صدق گزاره یا استدلالی شد. و چون راه رسیدن به واقع - که متن به معنای عام (گفتاری و نوشتاری) و یا استدلال است - مسدود می‌باشد، امکان مفاهمه نیز منتفی است؛ یعنی نمی‌توان مطلبی یقینی را از یک متن فهمید و یا به دیگران فهماند، و در این صورت است که رشد علوم نیز متوقف می‌گردد، حال آنکه واقع امر، غیر از این است.

۳-۵. لغویت پرورش نفوس

از آن‌رو که هرگاه استاد اخلاق و یا معلّمی در مقام تربیت متعلّم خود برآید، باید از متون، به معنای عام آن، استفاده کند و چون این متون دارای معانی متعدد است هیچ‌گونه پرورش روحی صورت نمی‌پذیرد، حتی اگر آن معلّم رسول خدا ﷺ باشد نخواهد توانست حتی یک نفر را تربیت کند؛ زیرا ممکن است آنچه را که متعلّم از آیه شریفه (به عنوان یک متن) یا کلام خود پیامبر ﷺ می‌فهمد غیر از چیزی باشد که خداوند یا رسول خدا ﷺ اراده کرده است و در این صورت، پیامی منتقل نخواهد شد و تربیتی نیز

معتقد به پلورالیسم معنایی هستند^(۲۵) - باشد، تمام اصول و قواید کشف معنا، هرچند در کلام هرمنوتیست‌ها آمده باشد، بی معنا و بیهوده خواهد بود و نمی‌بایست برای کشف معنا سراغ متن رفت، بلکه اراده و یا افق معنایی خواننده تعیین‌کننده معنای متن است. هرچند برخی از مدافعان نظریه تعدد قرائت‌ها برای برون‌رفت از این تنگنا (عدم معیار) سعی در روشمند ساختن قرائت کرده‌اند؛ چراکه به خوبی متوجهند برای فهم یک متن باید از منطق و روش آن سخن گفت.^(۲۶)

«نظریه قرائت معتقد نیست که هر نوع قرائتی صحیح است. این نظریه می‌گوید: اولاً، چون هر قرائتی بر پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها مبتنی است، باید قطعاً در وهله اول در مبانی و پیش‌فرض‌های یک قرائت‌کننده دقت کرد و دید که این پیش‌فهم‌ها تا چه حد از تیغ نقد به درستی بیرون می‌آید. و سپس قرائت‌کننده باید دلایل خودش را بیان کند که چرا چنین قرائتی می‌کند؛ یعنی صرف عرضه کردن پیش‌فرض‌ها کافی نیست، بلکه پس از آن باید دلایل درون دینی و دلایل برون دینی قرائتش را بیان کند. دیگران مجموع دلایل مقدماتی و نهایی وی را نقد می‌کنند و در صورتی که صاحب آن قرائت بتواند از آنها دفاع قابل قبول کند، می‌توانیم بگوییم که این شخص دارای یک نظریه قرائتی است. این نظریه یکی از قرائت‌های ممکن است.»^(۲۷)

اما با این حال، هیچ اصل و قاعده‌ای برای روش فهم صحیح ارائه نمی‌کنند. و تنها به این اصل پذیرفته شده اشاره می‌کنند که «باید معنای درست متن را تشخیص داد و آن را انتخاب و توجیه کرد و تفسیرهای نامناسب و معانی نادرست را کنار

یافته و نیز دانشمندانی که متکفل این شاخه علمی شده‌اند. در عالم اسلام نیز اصولیان تلاش‌های قابل توجهی در این زمینه داشته‌اند، هرچند مباحث ایشان با توجه به عدم وجود مباحث هرمنوتیکی در عصر آنها بیشتر ناظر به فقه است، اما با کمی تأمل در محتوای مباحث درمی‌یابیم که بسیاری از این قوانین اختصاص به متون فقهی نداشته و در هر متن دیگری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اصولیان برای اثبات حجیت ظواهر الفاظ باب خاصی را در کتب اصولی خویش گشوده‌اند، و حجیت ظواهر الفاظ را به دلایل مختلفی همچون سیره عقلا، سیره متشرعه و دلیل عقلی اثبات نموده‌اند.^(۲۳) ایشان در این مسئله، مطابق فهم عمومی و سنتی، متن را دارای معنای واحدی دانسته‌اند که متکلم به دنبال انتقال آن معنی به دیگران است و به عبارتی، خواننده را در مواجهه با متن منفعّل می‌دانند نه فعال؛ به این معنا که باید به دنبال کشف معنایی باشد که گوینده در پی بیان آن بوده است، و حق ندارد از جانب خویش به معنای مورد نظر گوینده چیزی را افزوده یا از آن بکاهد. او حق ندارد افق معنایی خویش را با افق معنایی متن یا افق معنایی گوینده امتزاج داده و به دنبال توسعه معنایی باشد. از این رو، اصولیان متأخر در تعریف اجتهاد قید «اکتشاف» را نیز افزوده‌اند؛ یعنی مجتهد باید در پی کشف یک واقعیت موجود باشد نه در پی ایجاد یک معنای جدید. و این همان معنایی است که در روایات متواتر شیعه و سنی آمده است: «من فسّر القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار» و یا «علیه لعنة الله»^(۲۴)

حال اگر طبق نظر قایلان به تعدد قرائت‌ها، متن دارای معنای متعدد - همان‌گونه که هایدگر و گادامر

اعتماد نمود؛ زیرا قرائت ما با قرائت و اراده وی متفاوت است و ما از مقصود واقعی او بی اطلاع هستیم و راهی برای دسترسی به آن نیز وجود ندارد. تذکر مجدد این نکته سزااست که دین برای بیان مقصود خود از الفاظ و عبارات عرفی استفاده می‌کند و اصول و قواعد نگارش و روش فهم به طور یکسان در هر دو استفاده می‌شود. از این رو، متون دینی با غیر دینی از این لحاظ تفاوتی ندارند.

۳-۹. بی‌ارزش ساختن سیره و گفتار

معصومان علیهم‌السلام

در کلام معصومان علیهم‌السلام بسیار مشاهده می‌شود که ایشان کلام خود را مستند به گفته یا سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا پدران بزرگوار خود می‌کردند. (۳۴) این کار اهل بیت علیهم‌السلام فقط در صورت امکان قرائت واحد از یک متن قابل توجیه است و بنابر نظریه تعدد قرائت‌ها، این کار لغو و بی‌ارزش است؛ زیرا اولاً، قرائت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا پدران بزرگوارشان متفاوت از قرائت آنها بوده است و ثانیاً، با این عمل، نخواهند توانست بر رأی خود استدلال بیاورند، بلکه قرائت خود را بیان کرده‌اند که آن هم با قرائت ما متفاوت است.

۳-۱۰. مخالفت با سیره عقلا

یکی از ادله حجیت ظواهر - که اصولیان بیان می‌دارند - سیره عقلاست، یعنی عقلای عالم - حتی مدافعان نظریه تعدد قرائت‌ها - در امور روزمره خود و در مواجهه با مردم معنای واحدی را از متون می‌فهمند و اگر متن مورد نظرشان دارای اجمال باشد و یا در آن، معانی متعددی ممکن باشد، در جست‌وجوی معنای مورد نظر گوینده برمی‌آیند و یا

گذاشت. (۲۸) کسی که می‌گوید: «از این حقیقت که یک محک صددرصد برای اثبات فهم یک متن وجود ندارد، نباید وحشت کرد» (۲۹) و «مگر ما در زیر این آسمان نبود دلیل عقلی یا فقهی غیر قابل نقض و ابرام هم داریم؟» (۳۰) چگونه می‌تواند برای دانش هرمنوتیک مسلمات قایل شود؟ این سخنان و از جمله، سخن ذیل، بسیار قابل تأمل است: «مسلمات دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ (چه آقایان از این دانش‌ها خوششان بیاید و چه بدشان بیاید) به ما می‌گوید فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ حادثه تاریخی بدون پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها و انتظارات و علایق ممکن نیست» (۳۱) «همیشه باید پیش‌فهم‌ها و علایق و انتظارات را با دقت و جدیت کامل تصحیح کرد.» (۳۲)

سؤال مهم این است که ملاک شناسایی مقدمات و مقومات صحیح از سقیم چیست؟ و آیا اینکه «باید معنای درست متن را تشخیص داد» یک قاعده فهم است؟ آیا این مطلب در مباحث منطق فهم، نوعی مصادره به مطلوب نیست؟

علاوه بر آن، اگر فهم، ضابطه‌مند شد و قرائت‌های مختلف به بوته نقد نشست، دیگر تعدد قرائت معنا ندارد، بلکه با نقد و بررسی، معنای صحیح دست‌یافتنی خواهد بود. از این رو، گفتن «از هر متنی تفسیرهای متعدد می‌توان داد» (۳۳) به این گستردگی مورد قبول نیست و غیرمعقول می‌نماید.

۳-۸. عدم اعتماد به قول دیگران در امور عادی

(غیردینی)

اگر نظریه تعدد قرائت‌ها پذیرفته شود هیچ‌گاه نمی‌توان به کلام کسی حتی در امور عادی و روزمره

نمی‌ماند؛ چراکه هر شخصی بر مبنای فهم و درک خود از واقعیات عمل کرده و راه فرار همیشه گشوده و در نتیجه، معاد و روز واپسین لغو و بیهوده خواهد بود. و اگر معاد امری لغو باشد خلقت نیز به تبع آن لغو و بی‌هدف خواهد شد که با علم و حکمت الهی سازگار نیست، در حالی که کتاب جاودانه الهی، قرآن، یکی از بازخواست‌های روز جزا را عمل نکردن به آنچه برای انسان‌ها فرو فرستاده شده، معرفی می‌کند: ﴿تَلْفَحُحُ وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۰۴-۱۰۵) (۳۸)

۱۳-۳. لغو و بیهوده بودن ارسال رسل

پیامبری که فرستاده شود و آموزه‌ها و گفته‌هایش جز برای خود او مفید نباشد، چه سود؟ چه رسول گرامی اسلام ﷺ و چه عیسی و چه موسی علیهما السلام، در صورتی رسول خواهند بود که مردم بتوانند معنا و مراد وحی را که از زبان آن رسول خارج می‌شود، بفهمند. (۳۹) وگرنه فرقی بین رسول و غیر آن وجود ندارد، و صد افسوس بر کسانی که اینچنین جاهلانه و کورکورانه بر طبل تعدد قرائت می‌کوبند و نمی‌دانند - و یا خود را به ندانستن می‌زنند - که چگونه اساس دین و دیانت و عقل و وجدان را در آتش جهل خود می‌سوزانند و شیطان را از این پیروی شادمان می‌سازند.

آنکه می‌گوید: «دین اسلام بیش از هر مسئله بر ایمان به پیامبران مخصوصاً پیامبر اسلام ﷺ استوار است»، (۴۰) چگونه با این جملات، تکثر قرائت از هر متنی را تجویز می‌کند «از هر متنی تفسیرهای متعددی می‌توان داد» (۴۱) یا «اختلاف در معنای هر متنی امری عادی و مورد انتظار است»، (۴۲) آیا هیچ می‌اندیشد که با این تفکر نمی‌توان به هیچ رسولی ایمان آورد؟

با احتیاط و احتمال معنایی را بیان می‌دارند و بر کسی که معنایی غیر از ظهور متن اراده و به آن عمل کرده خرده می‌گیرند، نه اینکه به هر معنایی از متن ترتیب اثر بدهند. مثلاً، اگر فرزند در جواب پدر که به او گفته آب بیاور، بگوید: قرائت من از کلام شما شربت است، عقلاً فرزند را تخطئه می‌کنند نه پدر را.

۱۱-۳. عدم امکان اثبات خدا و توحید

اساسی‌ترین اعتقاد هر انسان مسئله وجود خداست که ایمان یا عدم ایمان به خدا جهت زندگی او را مشخص می‌کند و اثبات این مطلب نیز، چه از طریق نقل و چه از طریق عقل، وابسته به متن است. اگر هرگونه قرائتی را مهر تأیید زدیم، و به پیش‌فرض‌ها تأثیر تام در فهم متون دادیم و بیان کردیم که «مسلمات دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ (چه آقایان از این دانش‌ها خوششان بیاید و چه بدشان بیاید) به ما می‌گوید فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ حادثه تاریخی بدون پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها و انتظارات و علایق ممکن نیست»، (۳۵) در این صورت، نه آیات و روایات قادر بر اثبات وجود خدا خواهند بود (۳۶) و نه براهین؛ زیرا هرآنچه گفته شود با پای نسبیّت و تکثر قرائت لگدمال خواهد شد. و چه می‌توان گفت به کسی که با پیش‌فرض عدم وجود خدا به مسئله می‌نگرد. و اگر بر بنیادی‌ترین مسئله بشر اینچنین باد نسبیّت بوزد، سرانجام بشر جز پوچی، سرگردانی و بی‌هویتی نخواهد بود.

۱۲-۳. انکار معاد و سؤال قیامت

اگر مقتضای ادراکی بشر چندپهللو شدن واقعیات است، (۳۷) دیگر جایی برای بازخواست باقی

۱۴-۳. لغو و بیهوده شدن دین

در تعریف دین گفته‌اند: «مجموعه گزاره‌هایی اخباری ناظر به هست‌ها، و انشایی ناظر به باید‌ها و نبایدها، در مسیر هدایت و کمال بشری.»^(۴۳) با توجه به این تعریف از دین، تجویز تعدد و تکثر قرائت موجب بی‌اثر شدن دین می‌شود؛ چراکه در این صورت، دین راهی برای رسیدن به کمال نیست، بلکه قرائت و فهم و پیش‌ذهن شخص است که او را راهبری می‌کند. و مسلم است فرو آمدن چنین دینی لغو و بیهوده است و در نتیجه، حکمت خداوندی در فرستادن چنین برنامه‌هایی که هر کس را به راهی می‌کشد، مورد تردید قرار می‌گیرد.

۱۵-۳. پلورالیسم معرفتی و پلورالیسم دینی

اگر تفاسیر و تجربه‌های ما از متون دینی، همگی صحیح باشند و هیچ ضابطه و منطقی در میان نباشد تا واقع را کشف و در دسترس قرار دهد، بلکه ذهن ما جاعل حقیقت باشد - همان‌گونه که کانت ذهن انسان را همیشه با قالب‌های پیشینی (مانند زمان و مکان و...) همراه می‌داند که همواره بر فهم و معرفت او اثر می‌گذارد و در نتیجه، ذهن آدمی در فرایند فهم، منفعل نیست، بلکه فعال می‌باشد، و به صورت طبیعی انسان کاشف حقیقت نبوده، بلکه جاعل حقیقت است -^(۴۴) در این صورت، شاهد پلورالیسم معرفتی خواهیم بود؛ به این معنا که چون راه دست‌یابی به واقع مسدود است، پس معرفت غلط و غیرواقعی وجود ندارد. به هر حال، فرزند نامیمون پلورالیسم معرفتی، حجیت تمام فرقه‌ها و تمام ادیان خواهند بود؛ زیرا هر زمان راه دست‌یابی به واقع مسدود شود، هر کیش و آیینی حق خواهد شد و

هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد؛ چه خداپرستی باشد و چه انسان‌پرستی و یا شیطان‌پرستی.

«امروز پلورالیسم دینی عمدتاً بر دو پایه بنا می‌شود: یکی، تنوع فهم‌های ما از متون دینی و دومی، تنوع تفسیرهای ما از تجارب دینی. آدمیان هم در مواجهه با امر متعالی، محتاج تفسیرند و از متن صامت یا تجربه خام باید پرده برداری کنند و آنها را به صدا درآورند. این پرده برداری و اکتشاف، یک شکل و شیوه ندارد و بی‌هیچ تکلفی، متنوع و متکثر می‌شود و همین است سرّ تولد و حجیت پلورالیسم درون‌دینی و بیرون‌دینی.»^(۴۵)

در حالی که امتناع تناقض به ما می‌فهماند که امکان ندارد ادیان و فرقه‌های مختلف که با آموزه‌های متناقض همراهند، همگی صحیح و حق باشند.

۱۶-۳. عدم امکان تمسک به وحی و قرآن

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲) قرآن کتابی برای هدایت همگان است، که هیچ شک و شبه‌ای در آن نیست.

در صورت قول به نظریه تعدد قرائت‌ها، تمسک به قرآن و وحی ممکن نخواهد بود و در صورتی که امکان تمسک به قرآن منتفی شود و این کتاب آسمانی از حجیت بیفتند، دیگر حجیت هیچ دینی - در عصر کنونی - قابل اثبات نخواهد بود و بشر عملاً به ورطه سکولار و بی‌دینی کشانده خواهد شد. بیان این مطلب - که با انکار قرآن هیچ دینی در حال حاضر اثبات نخواهد شد - نیاز به مقدمه‌ای کوتاه دارد.

اثبات حقانیت و از جانب خدا بودن هر دینی با معجزه امکان‌پذیر است و معجزه با خارق‌العاده بودن و استدلال عقلی که به همراه دارد، اثبات می‌کند که

قبح را برنخواهد تافت. بدون شک، اگر نیک بنگریم، درخواهیم یافت که نظریه تعدد قرائت‌ها مستلزم نسبییت‌گرایی گسترده است و در این صورت، سخن از اخلاق بسان سخن گفتن از امور موهوم است و با تجویز تعدد قرائت‌هاست که هر ناهنجاری اخلاقی با این جمله که «قرائت من از دین این‌گونه است»، توجیه خواهد شد.

۱۸-۳. آنارشسیسم فکری و عملی

آنارشسیسم در لغت از ماده آنارخوس یونانی، به معنای بدون حاکم، مشتق شده است. و در عرف عامه به معنای هرج و مرج زیانبار است.^(۴۷) و اگر از کاربرد سیاسی این واژه پا را فراتر نهاده و به کاربردهای مذهبی، علمی و حقوقی آن نیز توجه داشته باشیم خواهیم دید که نظریه تکثر قرائت‌ها موجب هرج و مرج و آنارشسیسم‌های گسترده و در عرصه‌های مختلف است. حال برای رعایت اختصار، به برخی از عرصه‌های آنارشسیسم که در نتیجه این نظریه به وجود خواهد آمد، اشاره می‌کنیم: الف. آنارشسیسم معرفتی: آنارشسیسم معرفتی یعنی: هرج و مرج در معرفت و شناخت. همان‌گونه که در پیامد پانزدهم اشاره شد، تازمانی که انسان بر طبق اصول و ضوابط متقن می‌اندیشد از ثبات فکری و معرفتی برخوردار است، اما اگر شوکران تعدد قرائت را به معرفت و بینش وی خوراندیم، نظم معرفتی او دچار اخلال و هرج و مرج می‌شود. و اینچنین آنارشسیسم معرفتی، آنارشسیسم دین‌ورزی را نیز به دنبال خواهد داشت، و نتیجه این هرج و مرج، نابسامانی معرفتی و - همان‌گونه که گفته شد - تجویز هر امر متناقضی است. ب. آنارشسیسم فرهنگی: آنارشسیسم فرهنگی، هرج و

صاحب این کار از جانب خدایی حکیم فرستاده شده و آنچه می‌گوید از خداست و باید به او ودینی که تبلیغ می‌کند ایمان آورد. تمام ادیان آسمانی نیز با معجزه همراه بوده‌اند. اما اکنون سؤال این است: معجزه‌ای که سال‌ها، بلکه قرن‌ها پیش رخ داده و انسان امروزی آن را با چشم خود به عیان ندیده، آیا می‌تواند برای او حجت باشد؟ از کجا معلوم تاریخ در نقل حادثه دچار تحریف یا اشتباه نشده است؟ از این رو، باید به معجزه‌ای که هم‌اکنون حاضر است ایمان آورد، و پرواضح است که تنها دینی که در حال حاضر ادعای معجزه دارد و برای همانندآوری آن تحدی کرده، اسلام است. حال فرض کنید اینچنین معجزه‌ای با سخن سست و مسمومی مانند تعدد قرائت‌ها از حجیت بیفتد، در این صورت، «بِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ.» (اعراف: ۱۸۵)

۱۷-۳. ویرانی بنیاد اخلاق

اخلاق آن‌گاه که بر پایه واقعیات بنا نهاده شده باشد (همان‌گونه که نظام اخلاقی اسلام این‌گونه است) از دام نسبییت رهیده است و در غیر این صورت، هر نظام اخلاقی که عرضه شود نخواهد توانست معمای ارزش داشتن گزاره‌های اخلاقی را حل کند. حال اگر شخص یا جامعه‌ای همچون پروتاگوراس معتقد شد که «آنچه به نظر من حق است برای من حق است، و آنچه برای تو حق است برای تو حق است؛ و نیز آنچه برای من خوب است برای من خوب است و آنچه برای تو خوب است برای تو خوب است؛ همچنین آنچه برای تو بد است برای تو بد است»،^(۴۶) اساس اخلاق آن جامعه درهم شکسته خواهد شد، و هیچ کاری اگرچه مانند حسن عدل و قبح ظلم بدیهی باشند، متصف به فعل اخلاقی نخواهد شد و حسن و

صراط‌های مستقیم خود بیان می‌دارد: «... و مقتضای دستگاه ادراکی آدمیان و ساختار چندپهلوی واقعیت است و با هدایت‌گری خداوند و سعادت‌جویی و نیک‌بختی آدمیان ملایمت دارد و چنان نیست که کژفهمی، توطئه‌گری و بدخواهی، حق‌ستیزی و حق‌گریزی، باطل‌اندیشی، هواپرستی، استضعاف فکری یا سوء‌اختیار و یا غلبه اهریمن در آن مدخلیت عمده^(۴۸) داشته باشد»،^(۴۹) تعدد قرائت موجب پدید آمدن این امور می‌شود؛ زیرا انسانی که دارای اندیشه صحیح و معتدلی است و سروکارش با واقعیات است می‌تواند از موارد کژفهمی مبرا باشد و همچنین است موارد دیگر که اگر تعدد قرائت را تجویز کردیم، در حقیقت، مهر تأییدی بر آنها زده‌ایم. و در این صورت است که توطئه‌گری و بدخواهی، حق‌ستیزی و حق‌گریزی، چون قرائتی متفاوت از واقع و یا دین است غیرقابل انکار می‌شود و هر باطل‌اندیشی، مباح خواهد گشت.

۲۰-۳. لغویت انتظار و ظهور منجی

وجود و ظهور منجی، امری است که تقریباً تمام ادیان به آن معتقد هستند و دلایل عقلی و نقلی متعدد بر این مسئله اقامه شده، و باید گفت: مهم‌ترین فلسفه وجود و ظهور منجی این است که جامعه جهانی طعم شیرین عدالت و معنویت را بچشد و در عالمی که با عطر خوش اسلام ناب، معطر و با نفس قدسی امام معصوم، سرزنده گشته قدم گذارد و جان و دل مرده خود را با سخن شیرین آن دل‌ربا حیات بخشند و نور کلام الهی را از زبان آن بزرگوار بشنود:

بنابر نظریه تعدد قرائت‌ها و اینکه می‌توان هر برداشتی را از متن داشت (از هر متنی تفسیرهای

مرجی در ساحت فرهنگ عمومی است. اگر فرهنگ جامعه را بازتاب اندیشه انسانی بدانیم، قطعاً با آنارشیسم معرفتی، صحنه فرهنگ نیز شاهد نابسامانی و آشفتگی خواهد شد و هر کس - همان‌گونه که گاهی مشاهده می‌شود - با پرچم «قرائت من از دین این‌گونه است» بر موج آشفته‌سازی فرهنگی سوار می‌شود و آن‌قدر بر بدنه کشتی فرهنگ جامعه می‌کوبد تا کشتی و سرنشینان آن را به قعر دریا بفرستد.

ج. آنارشیسم سیاسی: این نوع هرج مرج در عرصه فعالیت‌های سیاسی رخ می‌دهد و ثمره آن تکوّن احزاب و گروه‌های مختلف است که همه خود را حق می‌دانند، ولی در عمل و آرمان با یکدیگر بسیار ناسازگارند، و این بدان دلیل است که هریک از آنها قرائت خود را از حق، صواب می‌پندارد. و چه بسیار دیده‌ایم که افرادی با ادعای پیروی از امام و رهبری، جامعه را به هرج و مرج و بیراهه می‌کشاند، و مدعی‌اند کردارشان طبق قرائتی است که از انقلاب و یا سخن امام دارند.

د. آنارشیسم رفتاری: رفتار آدمی بازتاب اندیشه اوست. حال اگر معرفت شخص یا جامعه‌ای توسط تجویز تکثر قرائت دچار آشفتگی و هرج و مرج شد، و هر فکر و ایده‌ای مهر تأیید خورد، به صورت طبیعی در رفتار و عملکرد آن شخص و یا جامعه پدیدار خواهد شد؛ همان‌گونه که طمأنینه و آرامش درون، موجب آرامش و وقار رفتاری خواهد شد ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)

۱۹-۳. ایجاد زمینه انحراف

برخلاف آنچه که سروش می‌پندارد و در دیباچه

پیامدهای متعدد نظریه تعدد قرائت‌ها اشاره شد؛ مانند خودویرانی، اجتماع نقیضین، نسبیت و شک‌گرایی انسداد با مفاهیم، لغویت دین و اخلاق و یا آنارشسیسم گسترده در عرصه فکر و عمل و... و بیان شد که این پیامدها خواسته یا ناخواسته متوجه این نظریه هست. در پاسخ به سؤال فرعی مقاله نیز در ضمن مباحث روشن گردید نظریه‌ای که چنین پیامدهای نادرستی داشته باشد نمی‌تواند مورد قبول واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برگرفته از سخنرانی آیت‌الله مصباح در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- ۲- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، *مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم*، ص ۱۲۵-۱۳۳.
- ۳- ر.ک: بابک احمدی، *ساختار و تأویل متن*، ج ۲، ص ۵۳۷؛ مهدی هادوی تهرانی، همان، ص ۲۱۵.
- ۴- بابک احمدی، همان، ص ۶۱.
- ۵- همان، ج ۲، ص ۷۴.
- ۶- دیوید کازنز هوی، *حلقه انتقادی، ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی*، ص ۷۵.
- ۷- ر.ک: پل ریکور، *زندگی در دنیای متن*، ترجمه بابک احمدی، ص ۱۳۴.
- ۸- عبدالکریم سروش، *قبض و بسط تئوریک شریعت*، ص ۲۹۴.
- ۹- فردریش ویلهلم نیچه، *هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها*، ترجمه بابک احمدی و دیگران، ص ۱۳.
- ۱۰- همان، ص ۲۱۰.
- ۱۱- همان، ص ۲۳۴.
- ۱۲- احمد زیدآبادی، *روزنامه صبح امروز*، ش ۲۳۵، ۱۸ مهر ۱۳۷۸، ص ۲.
- ۱۳- ر.ک: عبدالکریم سروش، *روزنامه صبح امروز*، ش ۲۳۲، ۱۴ مهر ۱۳۷۸، ص ۱۶.
- ۱۴- محمد مجتهد شبستری، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، پیشگفتار.
- ۱۵- همان، ص ۲۴۷.
- ۱۶- عبدالکریم سروش، *قبض بسط تئوریک شریعت*، ص ۳۳۲ و ۳۷۵.
- ۱۷- همان، ص ۱۱۶، ۳۷۲ و ۳۷۴.
- ۱۸- محمد مجتهد شبستری، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، ص ۲۴۷.
- ۱۹- فردریش نیچه، *اراده قدرت*، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ ر.ک: عبدالله نصری، *راز متن*، ص ۱۳۵-۱۳۸.

متعددی می‌توان داد^(۵۰)، انتظار ظهور منجی که جهان را به عدالت واحد و دین واحد دعوت می‌کند، لغو و بیهوده خواهد بود؛ چراکه - بنابر این نظریه - اساساً چنین امکانی حتی برای امام معصوم نخواهد بود؛ چون هرآنچه بیان دارد صرفاً قرائت خویش از دین را بیان نموده، و مردمان نیز قرائتی از دین دارند که می‌توانند با آن به احتجاج با امام عصر (عج) برخیزند. از این‌رو، جای تعجب نیست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زمانی که مهدی آل محمد صلوات الله علیهم ظهور کند تمام مردم با بیان قرائتی از قرآن با آن حضرت احتجاج خواهند کرد.»^(۵۱)

نتیجه‌گیری

آنچه از این مباحث روشن و آشکار می‌گردد، بطلان و غیرمعقول بودن نظریه‌ای است که می‌گوید انسان از طرفی نمی‌تواند معنایی یقینی از یک متن بفهمد و از طرف دیگر، یک متن معنایی متعددی را می‌تواند دارا باشد.

از این‌رو، باید توجه داشت که هرچند قرائت‌های متعدد از برخی متون وجود دارد، اما این بدان معنا نیست که تمام این معانی اگرچه متناقض و غیرقابل جمع باشند، در عرض هم صحیح هستند و ما راهی برای دستیابی به مراد مؤلف نداریم، بلکه باید در جست‌وجوی معنای صحیح، که مراد مؤلف از بیان آن متن است، با استفاده از قواعد صحیح فهم متن بود.

اینکه هر متنی لزوماً قابل تفسیرهای مختلف باشد، خود اول کلام است. بسیاری از گزاره‌ها چنین نیستند؛ مانند: «تشنه‌ام، برو کمی آب بیاور» و... همچنین متون علمی محض مانند ریاضی، فیزیک و... نیز بسیاری از متون و دستورات دین.

در این نوشتار، در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، به

- ۲۰- محمد مجتهد شبستری، *نقدی بر قرائت رسمی از دین، پیشگفتار*.
- ۲۱- همان، ص ۷؛ همچنین، ر.ک: همو، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*.
- ۲۲- فاطر: ۴۳.
- ۲۳- ر.ک: محمدکاظم آخوند خراسانی، *کفایة الاصول*.
- ۲۴- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۳۶، ص ۲۲۷.
- ۲۵- عبدالله نصری، همان، ص ۱۲۱-۱۲۳.
- ۲۶- محمد مجتهد شبستری، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، ص ۱۳، ۱۴ و ۱۵.
- ۲۷- همو، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، ص ۳۷۳.
- ۲۸- همو، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، ص ۱۵.
- ۲۹- همان، ص ۳۲.
- ۳۰- همو، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، ص ۲۴۳.
- ۳۱- همان، ص ۲۴۷.
- ۳۲- همان، ص ۲۸۷.
- ۳۳- همو، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، ص ۱۵.
- ۳۴- مانند حدیث شریف «سلسلة الذهب» (ر.ک: ابن ابی جمهور احسائی، *عوالی اللئالی*، ج ۴، ص ۹۴).
- ۳۵- محمد مجتهد شبستری، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، ص ۲۴۷.
- ۳۶- باتوجه به اینکه اثبات خدا با استفاده از آیات و روایات دورمی باشد، باید توجه داشت در اینجا آن دسته از آیات و روایات منظور است که متضمن حکم عقلی است و یا ارشاد به حکم عقل است.
- ۳۷- عبدالکریم سروش، *صراط‌های مستقیم*، دیباچه، ص ب.
- ۳۸- همچنین، ر.ک: مؤنون: ۶۴-۶۶؛ یونس: ۱۵.
- ۳۹- شاید گفته شود مردمی که مخاطب مستقیم رسول هستند خواهند توانست مراد گفته رسول را دریابند، ولی باید توجه داشت در این صورت نیز ارسال رسل جز برای عده معدودی از مردم، لغو و بی فایده خواهد بود و به یک بیان، تخصیص اکثر می شود.
- ۴۰- محمد مجتهد شبستری، *ایمان و آزادی*، ص ۴۳.
- ۴۱- همو، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، ص ۱۵.
- ۴۲- همان، ص ۱۶.
- ۴۳- ابوالفضل ساجدی و مهدی مشککی، *دین در نگاهی نوین*، ص ۲۴.
- ۴۴- ر.ک: فردریک کاپلستون، *تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، ج ۶، ص ۲۰۱-۳۱۵.
- ۴۵- عبدالکریم سروش، *صراط‌های مستقیم*، ص ۲۰۳.
- ۴۶- به نقل از: حسین محمدی، *قرائت دین*.
- ۴۷- جلال فوزین، «آنارشسیسم؛ پیامد نظریه تکرر قرائت دین»، در: حسین محمدی، *قرائت دین*، ص ۱۴۷، به نقل از: جورج وودلاک، *آنارشسیسم*، ترجمه هرمز عبداللهی، ص ۱۱-۱۳.
- ۴۸- صاحب نظریه با این کلمه به صورت ضمنی تأثیر تعدد قرائت‌ها را در پیدایش این امور پذیرفته است.
- ۴۹- عبدالکریم سروش، *صراط‌های مستقیم*، دیباچه، ص ب.
- ۵۰- محمد مجتهد شبستری، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، ص ۱۵.
- ۵۱- محمدبن ابراهیم نعمانی، *الغیبة*، ص ۲۹۷؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ب ۲۷، روایت ۱۳۱.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم، *کفایة الاصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
- احسائی، ابن ابی جمهور، *عوالی اللئالی*، قم، مطبعة سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
- احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- ریکور، پل، *زندگی در دنیای متن*، ترجمه بابک احمدی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ساجدی، ابوالفضل و مهدی مشککی، *دین در نگاهی نوین*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
- سروش، عبدالکریم، *صراط‌های مستقیم*، تهران، صراط، ۱۳۷۷.
- —، *قیض بسط تئوریک شریعت*، تهران، صراط، ۱۳۷۳.
- کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه، از ولف تا کانت*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، ج دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- کازنز هوی، دیوید، *حلقه انتقادی ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی*، تهران، روشنگران، ۱۳۷۱.
- مجتهد، شبستری، محمد، *ایمان و آزادی*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
- —، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
- —، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- محمدی حسین، *قرائت دین*، قم، ظفر، ۱۳۸۰.
- مهدی هادوی تهرانی، *مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم*، قم، مؤسسه بیت‌الحمه الثقافیه، ۱۳۷۷.
- نصری، عبدالله، *راز متن*، تهران، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
- نیچه، فردریش ویلهلم، *اراده قدرت*، ترجمه مجید شریف، تهران، جامی، ۱۳۷۷.
- —، *هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها*، ترجمه بابک احمدی و دیگران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- وودلاک، جورج، *آنارشسیسم*، ترجمه هرمز عبداللهی، تهران، معین، ۱۳۶۸.